

نظریه حرمت دفعی خمر از نگاه قرآن و روایات*

- یعقوب برزگر شانی^۱
- سیدمحمد نقیب^۲
- مهدی داوری^۳

چکیده

عقل که وجه تمایز انسان از حیوان است، چیزی زاینبارتر از شراب برای آن بیان نشده است که نتیجه استفاده از آن، سقوط آدمی به جایگاه حیوانیت است. بر این اساس، خمر در ادیان آسمانی پیوسته حرام بوده است؛ ولی زمان و چگونگی اعلام حرمت آن در اسلام، به تقابل دو دیدگاه در تحریم دفعی با سکر نوم در معنای سکاری در آیه ۴۳ نساء و تحریم تدریجی با سکر خمر منجر گردیده است. یافته‌های پژوهش با مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی، بیانگر صحت نظریه حرمت دفعی با دلایل قرآنی، روایی و مؤیدات عقلی و

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - قم و عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) (نویسنده مسئول) (a.shani110@chmail.ir).
۲. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - قم (amin200057@yahoo.com).
۳. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - قم (mad.davari@yahoo.com).

شواهد تاریخی، در اعلام حرمت خمر در آیات مکی در اوایل بعثت و تأکیدی بودن آن در آیه ۹۰ مائده است. در مقابل، عدم صحت نظریه حرمت تدریجی شراب به جهت تناقض محتوایی و مخالفت آن با قرآن ثابت گردید؛ چرا که از طرفی جهت توجیه نظریه تدریجی با قانون عقلی تدریج، تصریح می‌نمایند که در آغازین مرحله، شراب در وقت نماز با نزول آیه ۴۳ نساء، ششمین سوره مدنی حرام گردید، ولی از طرفی دیگر با نقض قانون تدریج، با اعلام اینکه سوره بقره به اجماع از اولین سور مدنی است که بعد از هجرت نازل شده است. به حرمت مطلق شراب در آیه ۲۱۹ آن و نیز در برخی آیات مکی تصریح می‌نمایند. در نتیجه با نفی سکر خمر در معنای سکاری در نظریه تدریجی، شأن نزول‌ها در تفاسیر عامه به انگیزه دفاع از شرب خمر برخی، و نسبت ناروا به برخی دیگر با توجیه ناصواب عدم حرمت شراب تا نزول آیه ۴۳ نساء در مدینه، خروج موضوعی از این آیه دارند. بنابراین تفکیک بین اعلام حکم حرمت شراب در مکه در اوایل بعثت و تأخیر چندین ساله اجرای حد شرب خمر در مدینه در نظریه دفعی، اضافه بر ایجاد انگیزه قوی در ترک و نیز اتمام حجت شرعی، نوعی روش مدارای تربیتی اسلام نیز بوده است. در حالی که اعلام همزمانی حرمت مطلق شراب با اجرای حد آن با نزول آیه ۹۰ مائده از آخرین سور مدنی در نظریه تدریجی، خلاف مدارای تربیتی مورد انتظار آنان است. از جمله آثار مترتب بر اثبات نظریه حرمت دفعی شراب، اضافه بر دستیابی به نظریه صائب قرآنی، عدم توجیه‌پذیری شرب‌خواری برخی صحابه در مدینه تا نزول آیه تحریم است.

واژگان کلیدی: حرمت خمر، تحریم دفعی، تحریم تدریجی، تناقض محتوایی، سکر خمر، سکر نوم.

بیان مسئله

مسئله حرمت شرب‌خواری در بین فقهای اسلام، امری مسلم است و ادله فراوانی از آیات قرآن و روایات معتبر بر آن قابل اقامه است. اضافه بر آن، در ادیان آسمانی نیز بر اساس روایات صحیح، خمر پیوسته حرام بوده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۰۷/۶؛ ولی زمان و چگونگی اعلام حرمت شراب در اسلام، به تقابل دو دیدگاه در تحریم دفعی و تدریجی آن منجر گردیده است.

از آنجا که جست‌وجوی حقیقت امر در این موضوع، بسیاری از نفی و اثبات‌های

اعتقادی و برداشت‌های موجود بین تشیع و اهل سنت را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، مقاله حاضر به عنوان یک پژوهش حقیقت‌یاب در صدد است تا به این سؤال محوری پاسخ دهد که: نظریه حرمت دفعی خمر از نگاه قرآن و روایات تا چه میزان قابل دفاع است؟

اهمیت و ضرورت

در نظریه‌پردازی قرآنی، دستیابی به نظریه صائب که مخالف آیات الهی نباشد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین با وجود حرمت دائمی شراب در ادیان آسمانی و اعلام حرمت مطلق خمر در آیات مکی (اعراف/۳۳؛ شوری/۳۷؛ نجم/۳۲) و با مؤیدات صحیح روایی (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۶؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۷۰۵/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۱۰/۴۵-۴۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۴-۳۱۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۲۶/۲)، ضرورت این پژوهش با دلایل زیر روشن می‌گردد:

اول: حکم به حرمت خمر تا نزول آیه سکاری (نساء/۴۳) در دیدگاه تدریجی که در تفاسیر عامه به آن تصریح شده است (طبری، ۱۴۱۲: ۶۱/۵)، برداشتی ناصواب از آیات و نسبتی نادرست به قرآن است.

دوم: شأن نزول‌های جعلی پیرامون آیه سکاری در تفاسیر عامه، با توجیه عدم حرمت خمر تا نزول این آیه که در آن به صحابی معصوم نسبت شرب خمر داده شده است، خروج موضوعی از این آیه دارند.

سوم: طرح اولیه نظریه حرمت تدریجی با سکر خمر از سوی عامه با اصل اجماعی عدالت همه صحابه نزد آن‌ها (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۶۲/۱)، تنها راه برای گریز از اعتراف به فسق برخی صحابه بوده است که تصریح ابوحنیفه در این باره، مؤید صدق این مدعاست (ابن عابدین، ۱۴۲۳: ۳۳/۱۰) و جمله معروف «انتھینا انتھینا» از خلیفه دوم در پاسخ به آیه ﴿فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾^۱ (مائده/۹۱) و پیوستگی شرب خمرش تا نزول آیه تحریم، در تفاسیر عامه مشهور است (سید بن قطب، ۱۴۲۵: ۶۶۴/۲).

۱. «آیا شما [به شرابخواری... پایان می‌دهید؟!».»

پیشینه

بحث تحریم خمر در طول تاریخ در همه شرایع آسمانی مطرح بوده و در اسلام نیز که به عقل و سلامت آن و عامل زوال عقل در اثر شراب، توجه ویژه‌ای شده است، زمان و چگونگی اعلام حرمت آن، منجر به شکل‌گیری دیدگاه مشهور نظریه حرمت تدریجی در جهان اسلام شده است.

گرچه درباره‌ی عنوان مقاله، تا کنون هیچ اثر مدونی از کتاب و رساله و مقاله، تدوین نشده است، ولی یک مقاله نقدی با عنوان «نقدی بر نظریه تحریم تدریجی خمر» (ایروانی نجفی و شاه‌پسند، ۱۳۹۰: ۳) و یک پایان‌نامه سطح ۳ با عنوان *حلیت یا حرمت ابتدایی شرب خمر از دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت* (علی‌میری، ۱۳۹۵) نگاشته شده است.

در عین حال، مقاله پیش رو از جنبه‌های زیر، اثری جدید محسوب می‌گردد:
۱- یک نظریه جدید و مقاله اثباتی است، بر خلاف اثر قبلی، که صرفاً یک مقاله نقدی است.

۲- مقاله پیش رو اثبات نمود که حرمت مطلق شراب، با دلایل عقلی و نقلی از جمله آیات و مؤیدات صحیح روایی، در مکه در اوایل بعثت اعلام شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۴/۲۵)؛ در حالی که مقاله نقدی پیش گفته، در چکیده صراحتاً به اثبات دیدگاه اعلام حرمت خمر در اوایل دوران مدینه می‌پردازد و آن پایان‌نامه سطح ۳ نیز بعد از بیان دیدگاه علامه در این خصوص، به دیدگاه تلفیقی در جمع بین دیدگاه علامه می‌رسد (علی‌میری، ۱۳۹۵: ۸۶)؛ در حالی که علامه بارها به حرمت تدریجی خمر تصریح نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۳/۲ و ۱۱۷/۶).

۳- اساسی‌ترین نقد وارد بر نظریه تدریجی، تناقض محتوایی آن است که در مقاله پیش رو و نیز به تفصیل در رساله دکتری نگارندهٔ مسئول (برزگر شانی، ۱۴۰۱: ۱۰۱)، به آن پرداخته شده است؛ زیرا یک نظریه قرآنی با دارا بودن استحکام درونی، باید از هر گونه تضاد و تناقض محتوایی به دور باشد (کریمی، ۱۳۹۸: ۲۱۲)؛ در حالی که در آن دو اثر، هیچ اشاره‌ای به این موضوع محوری نشده است.

۴- آن مقاله نقدی، در احتمال سوم در معنای سکر در آیه سکاری، همزمان به تحریم

سکر نوم و سکر خمر قائل شده است (ایروانی نجفی و شاه‌پسند، ۱۳۹۰: ۱۳)؛ در حالی که قول به مستی شراب که اساس نظریه تدریجی است، به تناقض محتوایی منجر گشته و مخالف قرآن است و همچنین با پذیرش توجیه علامه در نظریه تدریجی، آن را متناسب با سیاق آیات دانسته و می‌نویسد: «تعبیر علامه از تدریج با سیاق آیات سازگار است» (همان: ۲۶) که این امر با دیدگاه آن مقاله در نقد نظریه تدریجی در تناقضی آشکار است. مقاله پیش رو با مطالعه کتابخانه‌ای و روش تحلیلی - توصیفی، بر آن است که صحت نظریه حرمت دفعی شرب خمر با مستی خواب را با دلایل عقلی و نقلی از آیات قرآن و مؤیدات صحیح روایی و شواهد تاریخی در اعلام حرمت خمر در آیات مکی و تأکیدی بودن آن در آیات مدنی به اثبات برساند.

۱. مفهوم‌شناسی

در ابتدا واکاو لغوی برخی از واژگان پرکاربرد و وجه ارتباط آن‌ها با هدف مقاله، ضروری به نظر می‌رسد.

۱-۱. مفهوم سکاری

آیه سکاری، از آیات محوری در تقابل دو دیدگاه تحریم دفعی و تدریجی در این مقاله محسوب می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»^۱ (نساء/۴۳).

سکاری جمع سکران و نیز سکری از سُکر (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۷۳/۴؛ کشی، ۱۳۶۳: ۷۵۶/۲)، در لغت به معنای ضد هوشیاری و بسته شدن سرچشمه آب آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۰۹/۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۸۹/۳). بنابراین هر آنچه که موجب بسته شدن مجاری ادراکی و از کار افتادن هوشیاری و تعقل آدمی می‌گردد، همچون شراب و خواب‌آلودگی، سکر نامیده می‌شود. اما اینکه مراد از سکاری در این آیه، مستی شراب است یا مستی خواب، در ادامه با دلایل و قرائن روشن خواهد شد. مراد از صلاة در این آیه به قرینه تعلیلی «حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»، نماز است.

۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید».

۲-۱. مفهوم اِثم

اِثم در لغت به معنای کندی و تأخیر است و به شتر ماده‌ای که عقب افتاده، «ناقة آثمة» گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۰/۱). بنابراین چون شراب بیش از هر چیز دیگر، باعث کندی عقل و از کارافتادگی ادراک آدمی می‌گردد، در عرب جاهلی، به اِثم معروف بوده است. بر این اساس، آیه ۲۱۹ بقره از خمر به اِثم یاد کرده است: ﴿قُلْ فِيهِمَا اِثْمٌ كَبِيرٌ﴾؛ چنان که شعر زیر با استعمال اِثم در معنای شراب، از اخفش و ابن انباری نقل شده است:

«شربت الإثم حتى ضلّ عقلي كذلك الإثم تفعل بالعقول»^۱

(همان؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۳۹۰/۴)

۳-۱. مفهوم خمر

خمر در اصل به معنای پوشاندن چیزی است: «خمرتُ البيت: أي سترته^۲» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۶۳/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۷: ۲۹۸). بنابراین به مقنعه و آنچه که زن‌ها با آن، سرشان را می‌پوشانند، خمار گویند: ﴿وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾^۳ (نور/ ۳۱). به شراب نیز خمر می‌گویند؛ زیرا عقل را می‌پوشاند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵۸/۴). بر این اساس، در آیات قرآن از شراب به خمر یاد شده است (بقره/ ۲۱۹؛ مائده/ ۹۰). پس نه خمر در لغت، به معنای شراب است و نه سکر.

۴-۱. مفهوم رجس

رجس در لغت به معنای قَدَر، نجاست و پلیدی است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۵۲/۶؛ جوهری، ۱۳۶۸: ۸۷۸/۲ و ۹۲۳). تصریح آیه ۹۰ مائده به رجاست خمر، اشاره به حکمت تحریم آن به جهت پلیدی و مفسده ذاتی و عقلی آن دارد. آیه شریفه می‌فرماید: ﴿رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ﴾^۴ (مائده/ ۹۰).

۱. «آن قدر شراب خوردم که عقلم تباه شد. شراب این طور عقل‌ها را می‌برد».

۲. «آن را پوشاندم».

۳. «زنان باید گریبان و سینه‌های خود را با مقنعه بپوشانند».

۴. «پلید و از عمل شیطان است».

۲. نظریه حرمت دفعی شرب خمر

بر اساس این نظریه، شرب خمر در مکه قبل از هجرت به دلایل عقلی و نقلی پیش رو حرام شده است. حرمت مجدد در مدینه فقط برای تأکید و اصرار بر ترک حرمت قبلی بوده است و «سکر نوم» در آیه ۴۳ سوره نساء در معنای سکاری، اساس این نظریه است.

۱-۲. حرمت دفعی شرب خمر از نگاه آیات قرآن

در این مقاله برای اثبات نظریه حرمت دفعی شرب خمر، به دو دسته از آیات قرآن استناد می‌گردد. در قسم اول، از آیه سکاری (نساء/۴۳) و بیان دیدگاه‌ها در مفهوم سکاری در این آیه مدنی و دیگر آیات مرتبط با آن استفاده می‌شود. در قسم دوم، به آیاتی از قرآن در سور مکی که دلالت بر حرمت خمر دارند، استناد می‌گردد.

۱-۱-۲. بیان دیدگاه‌ها در آیه سکاری

در تفاسیر شیعه و سنی، سکر در آیه سکاری فقط به معنای سکر خمر و سکر نوم آمده است؛ زیرا سکر خمر و مستی شراب، اساس نظریه تدریجی، و سکر نوم و خواب‌آلودگی، پایه نظریه دفعی در حرمت خمر است. بنابراین ضرورت بررسی این دیدگاه‌ها در مفهوم سکاری در آیه ۴۳ سوره نساء و درستی یا نادرستی آن‌ها، امری اجتناب‌ناپذیر است.

۱-۱-۱-۲. سکر خمر

یکی از دیدگاه‌ها در آیه سکاری، قول به مستی شراب است. طرفداران این دیدگاه، به این معنا در آیه تصریح می‌کنند. حتی فخر رازی برای اثبات این دیدگاه، ادعای اجماع بر آن نموده است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۸۷-۸۵/۱۰). بیشتر این دیدگاه به ویژه در تفاسیر عامه بر اساس شأن نزول‌ها، قائل به عدم حرمت خمر تا نزول آیه سکاری است (طبری، ۱۴۱۲: ۶۱/۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۱۳/۱).

در تفاسیر شیعی نیز علی‌رغم یادکرد مستی خواب در آیه سکاری بر اساس روایات معتبر که از نماز با حالت خواب‌آلودگی نهی نمودند، اما مستی شراب به عنوان دیدگاه

غالب مطرح است؛ چنان که طبرسی مستی شراب را از صحابه و از امام کاظم ع نیز بنا بر قولی نقل نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۰/۳). علامه طباطبایی نیز صحت نظریه حرمت تدریجی خمر را بر اساس مستی شراب می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۷/۶). دیگر تفاسیر شیعی نیز با پذیرش حرمت تدریجی، قائل به سکر خمر هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۷۱/۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۲/۱۹-۴۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۳۹/۴).

۱-۱-۱-۲. سکر خمر، اساس نظریه تدریجی

سکر خمر به دلایل پیش رو، بنیان نظریه حرمت تدریجی خمر معرفی شده است: در ابتدا، قائلان به حرمت تدریجی خمر تصریح دارند که تدریجی بودن در صورتی درست است که سکر در آیه سکاری، باید به معنای سکر خمر باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۷/۶). در این باره، ادعای اجماع نیز شده است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۸۷-۸۵/۱۰). دوم اینکه علامه و به تبع آیه الله جوادی آملی، صحت سکر خمر را منوط به این می‌دانند که آیه سکاری باید قبل از آیه ۲۱۹ بقره نازل شده باشد. به دلیل آنکه بعد از نهمی آیه ۲۱۹ بقره که دال بر حرمت مطلق خمر در همه حال است، نهمی فقط در وقت نماز در آیه سکاری درست نخواهد بود. پس معلوم می‌شود که آیه سکاری قبل از آیه بقره نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۹/۴)؛ اضافه بر اینکه با تدریجی که از این آیات استفاده می‌شود نیز منافات دارد (همان: ۱۹۴/۲).

سوم اینکه برخی از طرفداران نظریه تحریم تدریجی خمر، ادعا می‌کنند که قرینه وجود دارد بر اینکه سکاری در آیه ۴۳ سوره نساء، به معنای مستی شراب است؛ چنان که طبری به وجود قرینه روایی از صحابه حضرت رسول صلی الله علیه و آله استناد می‌نماید (طبری، ۱۴۱۲: ۶۲/۵) و برخی از تفاسیر می‌نویسند اینجا قرینه وجود دارد که مراد از سکر، میگساری است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۰/۱۹)؛ ولی برای اثبات این ادعا هیچ قرینه‌ای ذکر نکرده‌اند. برخی احتمالاً وجود قرینه در اینجا را ادامه آیه ﴿حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ می‌دانند؛ با این استدلال که انسان در حال زوال عقل با مستی شراب است که نمی‌داند چه می‌گوید، نه در حال خواب آلودگی.

نقد دیدگاه سکر خمر، لازمه اثبات سکر نوم در نظریه دفعی است. بنابراین قول به مستی شراب در آیه ۴۳ سوره نساء و ادعای اجماع و وجود قرینه بر آن و ادعای عدم حرمت شراب تا نزول آیه سکاری به تصریح مفسران عامه، به دلایل زیر نقد می‌شود:

یک. تحریم مطلق خمر در مکه

تحریم خمر با واژه اِثم، در آیات مکی ۳۳ اعراف، ۳۲ نجم و ۳۷ شوری، به انضمام آیه ۲۱۹ بقره که خمر را «اِثم کبیر» نامیده، اعلام شده است. روایات صحیح تفسیری نیز خمر را مصداق کامل اِثم و اکبر الکبائر در این آیات معرفی نموده‌اند و دیگر مؤیدات صحیح روایی که حرمت خمر در مکه را اعلام نمودند (کلینی، ۱۴۲۹: ۷۰۵/۳؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۵-۳۰۴/۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۴۰۱-۲۵۲/۹). حال بعد از حرمت مطلق خمر در مکه در همه حال، حرمت مجدد در آیه سکاری با سکر خمر فقط برای وقت خاص نماز، مخالف قانون تدریج و مخالف قانون عقلی مطلق و مقید است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲). تبیین استدلال به این آیات و روایات در ادامه خواهد آمد.

دو. تناقض محتوایی در دیدگاه سکر خمر

یک نظریه قرآنی با وجود استحکام درونی، باید از هر گونه تضاد و تناقض محتوایی دور باشد و با مسلمات قرآن و روایات اختلاف نداشته باشد (کریمی، ۱۳۹۸: ۲۱۲). چنان که گذشت، طرفداران نظریه تحریم تدریجی، از طرفی عقیده دارند که لازمه صحت این نظریه آن است که سکر در آیه سکاری باید به معنای سکر خمر باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۹/۴ و ۱۱۷/۶) و حتی ادعای اجماع بر آن نیز نموده‌اند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۸۷-۸۵/۱۰). همچنین تصریح می‌نمایند لازمه سکر خمر به دلیل عقلی قانون تدریج، مطلق و مقید و سیاق در آیه سکاری، آن است که این آیه باید قبل از آیه ۲۱۹ بقره نازل شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲ و ۳۵۹/۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۴۹۹/۲۳).

با این حال، همین تفاسیر با نقض بیان قبلی، تصریح دارند که سوره بقره اولین سوره مدنی است که نازل شد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۲/۱ و ۱۱۷/۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۸/۲ و ۲۳/۱۷). حتی سیوطی و ابن عاشور از ابن حجر عسقلانی، ادعای اجماع بر تقدم ترتیب نزول سوره

بقره بر سوره نساء نیز نموده‌اند (سیوطی، ۱۳۸۷: ۹۶/۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۹۹/۱). از طرفی تصریح می‌نمایند که سوره نساء در ترتیب نزول، ششمین سوره مدنی است که نازل شد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۳/۱۷). آیه‌الله جوادی بعد از برشماری نزول تعدادی از آیات استثنایی سوره بقره که بعد از اتمام این سوره نازل شده‌اند، هیچ اسمی از استثنا بودن آیه ۲۱۹ سوره بقره نمی‌برد (همان: ۴۰/۲). بنابراین بعد از اثبات تقدم ترتیب نزول سوره بقره بر نساء که ادعای اجماع نیز شده و رد دیدگاه طرفداران نظریه تدریجی، که تصریح می‌نمایند این نظریه در صورتی صحیح است که سکر در آیه سکاری به معنای سکر خمر باشد و صحت سکر خمر را نیز منوط به تقدم نزول آیه سکاری بر آیه ۲۱۹ بقره می‌دانند، نتیجه این می‌شود که هم بر دیدگاه اساس بودن سکر خمر در نظریه تدریجی و هم بر اصل این نظریه، نقد جدی وارد است.

علامه معتقد است که حرمت خمر قبل از هجرت، بر اساس قرآن و آیه ۳۳ اعراف، هم نص در تحریم است و هم با مفهوم اولویت - که خمر با رهنمود آیه ۲۱۹ بقره، برترین و کامل‌ترین مصداق اثم است - حرمت مطلق خمر در همه حال، بر اساس آیه ۳۳ اعراف و ۲۱۹ بقره قطعی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۲ و ۱۳۵/۶) و نیز بر اساس حکایت اعشی بن قیس و در آیه ۳۷ شوری از سور مکی، حرمت آن در مکه اعلام شده است (همان: ۱۳۴/۶ و ۱۱۸/۶۲-۶۳).

ولی علامه در توجیه نظریه تدریجی با بیانی به ظاهر متناقض، قائل به تحریم خاص به صورت نصیحت با سکر خمر در آیه سکاری است (همان: ۱۱۷/۶). در حالی که تحریم خاص به صورت نصیحت در آیه سکاری از سور مدنی، مخالف با قانون مطلق و مقید و قانون تدریج ادعایی نظریه تدریجی است. با این حال، چگونه ممکن است که خمر هم در مکه در آیه ۳۳ اعراف و هم در مدینه در آیه ۲۱۹ بقره، قبل از آیه سکاری، به طور مطلق برای همه اوقات حرام شده باشد؛ ولی در آیه سکاری حرمت آن مختص به وقت نماز باشد (همان: ۱۹۴/۲ و ۱۳۴/۶). آیه‌الله جوادی نیز می‌فرماید آیه سکاری با تحریم خاص، فقط از میگساری برخی افراد و اوقات منع کرده و بقیه افراد مثل زنان در عادت، غیر اوقات نماز و شرب مقدار کم غیر سکرآور را خارج می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۸۳/۱۱).

بیان فوق، ظاهراً هم نقض گفتار ایشان در تصریح به حرمت خمر در مکه در سوره اعراف (همان: ۵۸/۱۹ و ۵۱۸/۲۳) و هم نقض مطلب ایشان در تصریح به حرمت حتی جرعه‌ای از خمر بر اساس روایات است (همان: ۱۱۴/۱۱) و نیز مخالف آیات و روایات و اجماع فقهاست که خوردن خمر را به دلیل نجاست آن، به اجماع حرام نمودند (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۷/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۷۰؛ علامه حلی، ۱۳۷۴: ۱/۴۶۹-۴۷۰؛ سیوری حلی، ۱۳۷۳: ۱/۵۲). بنابراین خمر همچون مردار، خون و گوشت خوک، کم و زیادش بر اساس روایتی صحیح حرام است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۹/۳۰۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۵/۳۲۵). با وجود تصریح آیه‌الله جوادی به حرمت خمر در مکه و در آیه ۳۷ شوری و نیز بر اساس حکایت اعشی بن قیس (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۸/۴۸۲، ۱۹/۵۸-۵۹ و ۲۳/۵۱۸-۵۲۰)، تصریح ایشان به خوردن مقدار کم غیر سکرآور در مدینه، چه توجیهی دارد؟

در تفسیر نمونه نیز همین دوگانگی بیان مشاهده می‌شود؛ از طرفی در تفسیر آیه ۳۳ اعراف (سی و نهمین سوره مکی در ترتیب نزول (معرفت، ۱۴۱۵: ۱/۱۳۶)) تصریح می‌نماید خمر که مصداق روشن و کامل اثم است، در مکه حرام شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵۵/۶)، ولی برای توجیه تحریم تدریجی خمر اظهار می‌دارد:

«نخست... از مستی آن در حال نماز جلوگیری کرده تا اینکه تحریم آن در آیه ۹۰ مائده اعلام شده» (همان: ۳/۳۹۶).

فخر رازی نیز از طرفی با پذیرش تقدم ترتیب نزول آیه ۲۱۹ بقره بر آیه سکاری، با چند دلیل ثابت می‌نماید که خمر در آیه ۲۱۹ بقره حرام شده است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۶-۳۹۹/۶) و نیز تصریح می‌نماید که خمر با عنوان اثم در آیه ۳۳ اعراف از سور مکی حرام گردیده است (همان: ۱۴/۲۳۲)، اما با نقض سخنش، برای توجیه شرب خمر برخی صحابه، با پذیرش سکر خمر و ادعای اجماع بر آن، به عدم حرمت خمر قبل از نزول آیه سکاری تصریح دارد (همان: ۱۰/۸۵-۸۷).

مکی بن حَمّوش نیز تصریح می‌نماید که آیه ۳۳ اعراف، نص در حرمت خمر است (مکی بن حَمّوش، ۱۴۲۹: ۴/۲۳۴۷)؛ اما با گفتاری متناقض به عدم حرمت خمر قبل از آیه سکاری اشاره می‌نماید (همان: ۲/۱۳۳۹).

سه. عدم صحت روایات سکر خمر

خمر در آیات مکی و آیه ۲۱۹ بقره، به دلایل پیش گفته و پیش رو حرام شده است. بنابراین روایات سکر خمر در نظریه تدریجی، به علت مخالفت با قرآن، بر اساس روایات صحیح عرض از رسول الله ﷺ فاقد اعتبارند (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۹/۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۱/۲۷). بر این اساس، روایت مجمع البیان از امام کاظم علیه السلام در تفسیر سکر در آیه سکاری به سکر خمر، به دلیل موافقت با عامه و مخالفت با قرآن، حمل بر تقیه می شود (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۱۲/۳؛ شبر، ۱۴۰۷: ۴۸/۲).

هیچ روایت صحیح تفسیری دالّ بر سکر خمر در معنای سکاری در تفاسیر شیعه و سنی یافت نشده است. حتی طبرسی بعد از نقل روایت به معنای سکر خمر، آن را تضعیف و روایت به معنای سکر نوم از امام باقر علیه السلام را با روایتی از رسول الله ﷺ تقویت و تأیید می نماید (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۰/۳).

همچنین روایات از تفاسیر عامه به نقل از صحابه به عنوان قرینه روایی بر سکر خمر و در عدم حرمت خمر تا نزول آیه ۴۳ نساء، به دلیل اختلاف با حکم قرآن، بر اساس روایات صحیح عرض از رسول الله ﷺ اعتبار ندارند و حدس و اجتهاد صحابه محسوب می شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۱۸/۲۳). افزون بر اینکه روایات تفسیری در موضوع احکام، تنها در صورتی حجت اند که از رسول الله ﷺ یا از امامان معصوم علیهم السلام رسیده باشند. چون حجیت سنت رسول الله ﷺ بر اساس آیات قرآن (نحل/ ۴۴؛ حشر/ ۷) و سنت ائمه معصوم علیهم السلام نیز بر اساس حدیث متواتر ثقلین از رسول الله ﷺ ثابت است (خصیبی، ۱۴۱۹: ۱۸؛ ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۴۰۴: ۳۷۵/۶ و ۱۳۳/۹).

تواتر حدیث ثقلین بین شیعه و سنی مسلم است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۲۰/۱) و مصداق اهل بیت در حدیث ثقلین به تصریح ابن ابی الحدید، بر اساس حدیث کساء از رسول الله ﷺ در شأن نزول آیه تطهیر، حضرت علی علیه السلام و پنج تن اصحاب کساء هستند که معصوم اند: «علی أنّ علیّاً علیه السلام معصوم»^۱ (ابن ابی الحدید معتزلی، ۱۴۰۴: ۳۷۵/۶-۳۷۶) و نیز این روایت از رسول الله ﷺ است: «اللّهم أدر الحقّ مع علیّ حیث دار»^۲ (فخرالدین

۱. «علی علیه السلام معصوم است».

۲. «بارالها! هر جایی که علی علیه السلام هست، حق را همانجا قرار بده».

رازی، ۱۴۲۰: ۱۸۰/۱؛ ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۴۰۴: ۲۷۰/۱۰؛ اما هیچ آیه و نصی که دلالت بر حجیت مطلق سخن دیگر افراد از صحابه و تابعان و علما نماید، وجود ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶۱/۱۲).

چهار. عدم صحت قول اجماع بر سکر خمر

ادعای فخر رازی بر اجماع به سکر خمر به دلایل زیر نقد می‌شود:

۱- بسیاری از علما و مفسران شیعه و سنی بر اساس روایاتی صحیح، سکر نوم را بیان نموده‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۶۲/۵؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳۱۲/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۱/۳؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۳/۷-۲۳۴). همچنین برخی تفاسیر فقط مستی خواب را ذکر کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۳: ۱۳۹/۱).

فخر رازی بعد از بیان دو قول در معنای سکاری و پذیرش سکر خمر، برای اثبات مدعایش ادعای اجماع می‌نماید؛ در حالی که در قول دوم، از ضحاک بن مزاحم نقل می‌کند که وی سکر خمر را نفی و سکاری را منحصر در مستی خواب می‌داند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۸۷/۱۰). قرطبی نیز قول ضحاک را بر اساس روایتی از رسول‌الله ﷺ صحیح می‌داند (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰۱/۵).

۲- با ادعای اجماع سیوطی بر تقدم ترتیب نزول آیه ۲۱۹ سوره بقره بر ۴۳ نساء که گذشت (سیوطی، ۱۳۸۷: ۹۶/۱) و با توجه به تعلیل و استدلال پیش گفته در نفی سکر خمر، اجماع ادعایی توسط فخر رازی، ادعای بدون دلیل خواهد بود؛ زیرا بعد از اینکه ایشان به دلالت آیه ۲۱۹ بقره بر حرمت مطلق خمر در همه حال اعتراف کرده است (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۶/۶)، نهی دوباره، فقط نسبت به وقت نماز در آیه سکاری با سکر خمر، اضافه بر اینکه با عقل و قانون مطلق و مقید ناسازگار است، با تدریج ادعایی آنان نیز منافات دارد (همان).

پنج. عدم صحت وجود قرینه بر سکر خمر

قول به وجود قرینه ﴿حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ در آیه سکاری بر سکر خمر، به دلایل

زیر صحیح نیست:

اولاً این ادعا که انسان فقط در حال زوال عقل با مستی شراب نمی‌داند که چه

می‌گوید نه خواب‌آلودگی، خلاف روایات است؛ چون نص صریح روایتی از حضرت رسول‌الله ﷺ که شیعه و سنی آن را نقل نموده‌اند، این است که اگر کسی هنگام نماز، خواب‌آلود است، باید بخواهد تا مبادا در هنگام خواب‌آلودگی در نماز، به جای استغفار، خودش را دشنام ندهد:

«إِذَا نَسَّ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيُرْقِدْ حَتَّى يَذْهَبَ عَنْهُ النَّوْمُ، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا صَلَّى وَهُوَ نَاعِسٌ، لَعَلَّهُ يَذْهَبُ لِيَسْتَغْفِرَ فَيَسْبُ نَفْسَهُ» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۱/۳؛ مازندرانی، ۱۴۲۹: ۴۹۵/۲؛ ابن ماجه قزوینی، ۱۳۹۵: ۴۳۶/۱؛ قشیری نیشابوری، ۱۴۰۷: ۲۱۲/۲؛ بیهقی، ۱۴۲۴: ۲۳/۳).

ثانیاً سُکَّارِی از سُکَّر، در لغت به معنای ضد هوشیاری و بستن سرچشمه آب است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۰۹/۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۸۹/۳) و حالتی است که بین آدمی و عقلش حائل می‌شود و مانع درک و فهم عقل می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۲۷: ۴۱۶) و همان طور که مستی شراب موجب قطع مجاری ادراکی و هوشیاری آدمی می‌گردد، مستی خواب نیز باعث بسته شدن مجاری ادراکی روح و از کار افتادن آن می‌شود و در حالت خواب‌آلودگی نیز آدمی نمی‌داند که چه می‌گوید (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۳۴/۳؛ جزائری، ۱۳۸۸: ۴۵۳/۱). بنابراین سکر دارای مصادیق و استعمالاتی همچون شراب و خواب است؛ اما اینکه مقصود از سکاری در این آیه چیست؟ هیچ دلیل و قرینه‌ای بر اختصاص سکر به سکر خمر وجود ندارد (شیخ‌زاده، ۱۴۱۹: ۳۲۷/۳). به طور کلی، آیه سکاری به دلالت منطوقی، از موضوع خمر خارج است و فقط در صدد بیان بطلان حکم فقهی نماز با مطلق سکر است؛ یعنی نماز با حال مستی، اعاده آن اجماعاً واجب است (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۰۸/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۲/۳)؛ اما آیه سکاری به حکم فقهی خمر متعرض نشده است: «فَالْآيَةُ لَا تَعْرُضُ لَهَا لِحْكَمِ الْخَمْرِ رِخْصَةً أَوْ تَحْرِيمًا» (موسوی خویی، ۱۴۳۰: ۳۳۴/۱).

ثالثاً بر فرض که قرینه بودن «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» را بر سکر خمر بپذیریم، این نوعی برداشت و استنباط از ظاهر این آیه است که در تعارض نص و ظاهر، مقتضای قاعده اصولی، تقدم نص بر ظاهر است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۶۲/۱). روایات تفسیری زیادی نص هستند در اینکه مراد از سکاری در این آیه، سکر نوم است؛ چنان که امام باقر و امام صادق علیهما السلام در روایات صحیح تفسیری فرمودند: مراد از آن، سکر نوم است

(کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۹/۳-۳۷۱)؛ حتی امام باقر علیه السلام فرمود:

«أَنَّ الْمَرَادَ بِه سَكَرَ النَّوْمَ خَاصَّةً» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۱۲/۳)؛ مراد از سکاری، فقط سکر نوم است.

بنابراین روایات صحیح که نص در سکر نوم هستند، مقدم هستند بر سکر خمری که از ظاهر این آیه استنباط شده است؛ چون در مقام تعارض نص و ظاهر باید نص را مقدم بر ظاهر و قرینه بر تصرف در آن گرفت و از ضروریات مذهب شیعه این است که روایتی که نص باشد، بر ظاهر قرآن مقدم است (انصاری، ۱۴۰۷: ۵۸/۱).

رباعاً مفسران از جمله علامه و آیه الله جوادی، سکر خمر در این آیه را مشروط می دانند؛ یعنی در صورتی سکر خمر صحیح است که آیه ۴۳ نساء، قبل از آیه ۲۱۹ بقره نازل شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۴/۲ و ۳۵۹/۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۱/۱۹-۵۲ و ۴۹۹/۲۳)؛ چون بعد از نهی صریح آیه ۲۱۹ سوره بقره بر حرمت مطلق خمر در همه حال، دیگر معنا ندارد که در آیه ۴۳ نساء، فقط از نماز خواندن بعد از نوشیدن شراب نهی کند و اضافه بر ناسازگاری با عقل و سیاق آیه ۴۳ نساء، با تدریجی که از آیات استفاده می شود نیز منافات دارد و با فقدان شرط، سکر خمر در این آیه صحیح نخواهد بود، جز اینکه باید به معنای مستی خواب تفسیر شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۵۹/۴)؛ چون همه مفسران از جمله علامه و آیه الله جوادی تصریح می نمایند که سوره بقره، اولین سوره مدنی در ترتیب نزول است (همان: ۱۱۷/۶؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۸/۲) و حتی ابن عاشور و سیوطی ادعای اجماع نیز نموده اند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۵/۴؛ سیوطی، ۱۳۸۷: ۹۶/۱) و سوره نساء، ششمین سوره مدنی در ترتیب نزول است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۳/۱۷).

۲-۱-۱-۲. آیه سکاری و بررسی روایات شأن نزول در تفاسیر عامه

روایات فراوان شأن نزول در تفاسیر عامه پیرامون آیه سکاری و دیگر آیات مدنی خمر، برای توجیه شرب خمر برخی صحابه، با دو تحریف و جعل بزرگ تاریخی همراه بوده است؛ یکی نسبت حکم ناصواب به قرآن که تصریح به عدم حرمت خمر تا نزول آیه سکاری و حتی تا آیه تحریم نمودند (طبری، ۱۴۱۲: ۶۱/۵) و دیگری تهمت شرب خمر به صحابه معصوم، امام علی علیه السلام (همان: سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۶۵/۲).

اساساً با دیدگاه مقاله مبنی بر حرمت دفعی خمر در مکه و عدم صحت سکر خمر در آیه سکاری، اضافه بر اینکه چنین شأن نزول‌های جعلی در نسبت شرب خمر به حضرت علی علیه السلام، خروج موضوعی از آیه سکاری دارد و توجیه غلط عدم حرمت خمر تا نزول آیه سکاری، بیش از پیش آشکار می‌گردد، چگونه می‌توان نسبت شرب خمر به حضرت علی علیه السلام در تفاسیر عامه در نظریه تدریجی را پذیرفت؟ در حالی که آن حضرت همچون حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر اساس آیات اولی الامر و تطهیر و حدیث کساء، از چهره‌های درخشان عصمت است که مفسران و علمای بزرگ اهل سنت همچون حاکم حسکانی و فخر رازی به آن معترف‌اند و ابن ابی‌الحدید نیز به آن تصریح می‌نماید (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱/۱۸۰-۱۸۲؛ ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۴۰۴: ۶/۳۷۵-۳۷۶) و ایشان در طول حیاتش همچون رسول الله صلی الله علیه و آله هرگز لب به شراب نزده است (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۲/۱۱۷) و حتی قبل از اعلام حرمت رسمی آن در مکه، آن را بر خود حرام نموده بود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۱۳۳).

آیه اولی الامر، دلیل روشنی بر عصمت حضرت علی علیه السلام در کنار عصمت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. فخر رازی با تصریح به عصمت اولی الامر می‌گوید:

«به دلیل آنکه خداوند، اطاعت از اولی الامر را همچون اطاعت از رسول الله صلی الله علیه و آله در آیه ۵۹ نساء، بدون هیچ قید و شرطی مطلقاً واجب دانسته است، اولی الامر باید همچون رسول الله صلی الله علیه و آله معصوم از خطا باشد» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۰/۱۱۳).

هرچند ایشان، نظر شیعه را در مصداقیت ائمه علیهم السلام برای اولی الامر نپذیرفته است، اما در تفسیر سوره حمد می‌نویسد:

«بلند خواندن "بسم الله" از علی بن ابی طالب علیه السلام به تواتر ثابت شده است و کسی که در دینش به علی بن ابی طالب علیه السلام اقتدا کند، قطعاً هدایت یافته است»^۱.

وی سخنش را به فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله مستند می‌کند که آن حضرت فرمود:

«اللهم أدر الحق مع علي حيث دار».

و در ادامه استدلالش می‌گوید:

۱. «ومن اقتدى في دينه بعلي بن أبي طالب فقد اهتدى».

«عمل علی بن ابی طالب علیه السلام برای ما کافیست و کسی که علی علیه السلام را به عنوان امام در دینش قرار دهد، به دستگیره محکمی در دینش چنگ زده است»^۱ (همان: ۱۸۲-۱۸۰/۱).

این سخنان فخر رازی، اعتراف روشنی به عصمت حضرت علی علیه السلام است. آیه تطهیر نیز بر عصمت حضرت علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶/۳۱۲، ۳۱۳ و ۳۱۷). در صدر آیه تطهیر با خطاب جمع مؤنث، زنان پیامبر صلوات الله علیهم و در ذیل آن با مخاطب ساختن اهل بیت علیهم السلام با جمع مذکر، پنج تن قدسی اصحاب کساء مراد هستند (ر.ک: احزاب/ ۳۲-۳۳).
چرایی دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت را می‌شود از سخنان طبری فهمید که می‌نویسد:

«خداوند آنان را مشمول عنایت و رحمت خاصه خودش قرار داده و از هر گونه ناپاکی و پلیدی، پاکشان نموده است» (طبری، ۱۴۱۲: ۵/۲۲).

بسیاری از مفسران عامه از جمله طبری و حاکم حسکانی و ثعلبی با نقل حدیث کساء و روایات زیادی از جمع کثیری از صحابه از رسول الله صلوات الله علیهم، مصداق آیه تطهیر را همان پنج تن حضرات معصومین (حضرت رسول الله صلوات الله علیهم و امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام) در حدیث کساء بیان نموده‌اند که حضرت رسول صلوات الله علیهم به مدت ۶ تا ۹ ماه هر روز در وقت نماز صبح قبل از رفتن به مسجد به کنار منزل حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام می‌آمد و می‌فرمود:

«الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ. اللَّهُمَّ هُوَ لَا يَأْتِي أَهْلَ بَيْتِي وَأَهْلَ بَيْتِي أَحَقُّ؛ فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا» (همان: ۵/۲۲-۶؛ حاکم حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۲/۳۸-۶۷؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸/۴۳)؛ ای اهل بیت! وقت نماز است. بارالها! این‌ها اهل بیت من هستند و اهل بیت من بر حق‌اند. پس پلیدی را از آن‌ها دور نما و آن‌طور که خود می‌دانی، پاکشان گردان.

حاکم حسکانی از علما و مفسران بزرگ اهل سنت در قرن پنجم، روایاتی را در شأن نزول آیه تطهیر از حضرت رسول الله صلوات الله علیهم به نقل از چهارده صحابه آن حضرت با بیش از

۱. «من اتَّخَذَ عَلِيًّا علیه السلام إِمَامًا لَدِينِهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى فِي دِينِهِ».

صد طریق نقل نموده است که مصداق اهل بیت در آیه تطهیر، فقط همان پنج تن معصوم هستند که بر حق‌اند (حاکم حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۸/۲-۱۴۰). طبری نیز با نقل روایات زیادی از حضرت رسول ﷺ، مصداق اهل بیت در آیه تطهیر را همان پنج تن اصحاب کساء بیان نموده و حتی یک روایت هم از حضرت رسول ﷺ نقل نکرده است که مصداق اهل بیت به جز پنج تن اصحاب کساء باشند (طبری، ۱۴۱۲: ۵/۲۲).

بعد از اثبات اینکه مصداق اهل بیت در آیه تطهیر و در روایات حضرت رسول ﷺ بر اساس تفاسیر عامه، اصحاب کساء هستند، باید گفت در حدیث ثقلین که بین شیعه و سنی متواتر است (ابن طاووس حسنی، ۱۴۲۰: ۳۱۰؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۲۰/۱)، به اعتراف ابن حجر از علمای اهل سنت، مصداق اهل بیت در این حدیث باید معصوم باشند؛ زیرا «این حدیث بیانگر آن است که اهل بیت همچون قرآن شایستگی تسک و پیروی تا قیامت را دارا هستند» (ابن حجر هیتمی، ۱۹۹۷: ۴۳۹/۲) و نیز به تصریح ابن ابی‌الحدید چنان که گذشت، حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ معصوم است (ابن ابی‌الحدید معتزلی، ۱۴۰۴: ۳۷۶/۶).

با توجه به پیوستگی حرمت خمر در ادیان آسمانی از جمله اسلام بر اساس روایاتی صحیح (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۸/۱؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳۲۲/۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۹۶/۲۵) و حتی اعلام حرمت خمر در اوایل بعثت رسول الله ﷺ (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۲۶/۲)، که مفسران شیعه و سنی نیز تصریح به حرمت خمر در مکه نموده‌اند (مکی بن‌حمّوش، ۱۴۲۹: ۱۳۳۹/۲؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۳۲/۱۴؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۵/۶)، شرب خمر برخی از صحابه در مدینه، در نظریه تدریجی چه توجیهی دارد؟

یک حقیقت غیر قابل انکار در شأن نزول‌های تفسیری عامه که از مسلمات تاریخی است، شرب خمر برخی از صحابه تا آیه تحریم است. این مطلب به قدری واضح و روشن بوده که آیه ۹۱ مانده، آنان را با این استفهام توییحی ﴿فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ مورد عتاب و سرزنش قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲۴/۶). جمله معروف «انتھینا انتھینا» از خلیفه دوم در پاسخ به این آیه شریفه در تفاسیر عامه، مهر تأییدی بر این واقعیت تلخ تاریخی است که وی تا آن زمان خمر می‌نوشید (غزالی، ۱۴۲۲: ۴۲۵/۱؛ ماوردی بصری، بی‌تا: ۴۸۹/۱؛ حسینی آوسی، ۱۴۱۵: ۱۷/۴). بنابراین با توجه به اصل اجماعی عدالت همه صحابه نزد عامه (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۱۶۲/۱)، گویا تنها راه برای گریز از اعتراف به فسق برخی

صحابه، طرح نظریه تدریجی بوده است که تصریح ابوحنیفه، گواه بر این حقیقت تلخ تاریخی است:

«لأنّ فيه تفسیق بعض الصحابة» (ابن عابدین، ۱۴۲۳: ۳۳/۱۰).

سید قطب در داستان اسلام آوردن خلیفه دوم می گوید:

«ظَلَّ عمر يشرب الخمر فی الإسلام» (سید بن قطب، ۱۴۲۵: ۶۶۴/۲)؛ او از قبل اسلام، حتی تا نزول آیه تحریم، پیوسته شراب می نوشید.

زمخشری نیز در شرب خمر خلیفه دوم که بعد از نوشیدن آن، با استخوان چانه شتر، سر عبدالرحمن را می شکافد و بر کشته شدگان مشرکان در جنگ بدر نوحه سرایی می کند، صحه می گذارد (زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۰/۵؛ ابشهی، ۱۴۰۱: ۴۷۰).

اساساً با وجود منافقانی در بین صحابه حضرت رسول ﷺ همچون عبدالله بن ابی، سرکرده منافقان در مدینه (طبری، ۱۴۱۲: ۷۳-۷۲/۲۸)، چگونه اصل اجماعی عدالت همه صحابه نزد عامه پذیرفتنی است؟ در حالی که خداوند به کذب منافقان و فسق آنان شهادت می دهد:

- ﴿وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾ (منافقون / ۱)؛ و خدا شهادت می دهد که منافقان دروغگویند.

- ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (توبه / ۶۷)؛ منافقان قطعاً فاسق اند.

۲-۱-۱-۲. سکر نوم

دیدگاه دیگر در آیه سکاری، سکر نوم و مستی خواب است. این مقاله با دلایل زیر در صدد است تا اثبات نماید که سکر در آیه به معنای خواب آلودگی و سنگینی خواب است.

۱. دلیل قرآنی

خمر با واژه اِثْم، حرمت آن در آیات مکی از جمله ۳۳ اعراف به انضمام آیه ۲۱۹ بقره (اِثْم کبیر)، به طور مطلق برای همه حالات اعلام شده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۲ و ۱۳۵/۶؛ مکی بن حمّوش، ۱۴۲۹: ۲۳۴۸/۴). از طرفی، روایات صحیح تفسیری نیز که خمر را مصداق کامل اِثْم و اکبر الکبائر در آیات مکی (شوری / ۳۷؛ نجم / ۳۲) معرفی نموده اند،

مؤید آن هستند (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۴/۲۵-۳۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۵۲/۹). بنابراین بعد از نهی مطلق، حرمت خمر با نهی خاص در آیه سکاری با سکر خمر (که مختص به اوقات نماز باشد) عقلاً جایز نبوده و مخالف با قانون تدریج و مطلق و مقید است، جز اینکه قائل به سکر نوم شویم (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۵/۲ و ۳۵۹/۴-۳۶۱).

۲. دلیل روایی

در روایتی به نقل از عایشه، حضرت رسول ﷺ فرمود:
 «إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ، فَلْيَرْقُدْ حَتَّى يَذْهَبَ عَنْهُ النَّوْمُ» (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۳/۳۱۲؛ مازندرانی، ۱۴۲۹: ۲/۴۹)؛ کسی که خواب‌آلود است، تا نخوابیده، نماز نخواند.

در روایتی تفسیری از امام علی ع و ابن عباس نقل شده است که مراد از سکاری، سکر نوم است:

«قَالَا: ﴿وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾ مِنْ النَّوْمِ» (شیبانی، ۱۴۱۳: ۲/۱۵۳).

صحت این روایات، با سه روایت صحیح تأیید می‌شود:
 یکی از امام باقر ع که فرمود:
 «لَا تُقَمُّ إِلَى الصَّلَاةِ مَكَّاسِلًا وَلَا مُتَنَاعِسًا وَلَا مُتَنَاقِلًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۲۹۹)؛ با حالت کسالت، خواب‌آلودگی و سنگینی آن، نماز را بر پای ندارید.

در روایت تفسیری دیگر نیز فرمود:
 «وَهُمْ سُكَارَى يَعْنِي سُكْرُ النَّوْمِ» (همان)؛ مراد از سکاری در آیه، مستی خواب است.

امام صادق ع نیز در تفسیر سکاری فرمود:
 «قَالَ: سُكْرُ النَّوْمِ» (همان: ۳/۳۷۱)؛ مراد از آن، سکر نوم است.

حتی امام باقر ع فرمود:
 «أَنَّ الْمُرَادَ بِسُكْرِ النَّوْمِ خَاصَّةً» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳/۴۱۲)؛ مراد از سکاری، فقط سکر نوم است.

طبرسی نیز روایت صحیح پیشین از امام باقر ع (مجلسی، ۱۴۰۶: ۲/۲۶۹) را با آن

روایت رسول الله ﷺ تقویت کرده و می‌پذیرد که مراد از سکاری، فقط سکر نوم است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۱/۳). این روایات صحیح از امامین صادقین علیهما السلام (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۴/۷) و نیز آن روایات از رسول الله ﷺ و امام علی علیه السلام، قرینه روایی در کنار آن آیات و دلیل بر سکر نوم در آیه سکاری هستند.

بعد از اثبات عدم حجیت روایات سکر خمر به دلیل دوگانگی محتوایی و مخالفت آن‌ها با قرآن، بر اساس روایات صحیح عرض از رسول الله ﷺ عقل حکم می‌کند که روایات صحیح سکر نوم به دلیل موافقت با قرآن حجت هستند (همان: ۱۱۱/۲۷) و این، دلیل بر صحت نظریه حرمت دفعی خمر است؛ چون سکر نوم در آیه سکاری، اساس این نظریه است.

بعد از اثبات عدم صحت سکر خمر به دلالت منطوقی، بطلان نماز با مستی خواب در آیه سکاری، به طریق اولی مستی شراب را نیز شامل می‌شود و حرمت خمر در مکه، مطلقاً در همه حال، با مفهوم اولویت، از سکر خمر در حالت نماز نیز نهی می‌کند.

۲-۱-۲. آیات مکی مستند نظریه حرمت دفعی خمر

در این مقاله به آیات ۳۲ نجم، ۳۳ و ۱۵۷ اعراف، ۳۷ شوری (به ترتیب، بیست و سومین، سی و نهمین و شصت و دومین سوره مکی بر اساس ترتیب نزول) بر حرمت خمر در مکه استناد می‌شود (زرکشی، ۱۳۹۱: ۱۹۳/۱؛ سیوطی، ۱۳۸۷: ۹۶/۱-۹۷: حجتی، ۱۳۷۳: ۴۰۰: معرفت، ۱۴۱۵: ۱۳۶/۱؛ همو، ۱۳۷۵: ۵۷).

الف) آیات ۳۲ نجم و ۳۷ شوری

بر اساس آیه ﴿الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ﴾^۱ و به انضمام آیه ۲۱۹ بقره در تصریح خمر به اِثْمِ کبیر، حرمت خمر در مکه اعلام شده است. بر اساس روایت صحیح، رسول الله ﷺ نیز خمر را مصداق کامل اِثْمِ یاد می‌فرماید (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۵/۲۵؛ شنقیطی، ۱۴۲۷: ۱۲۸/۷). در روایت صحیح تفسیری، امام جواد علیه السلام شرب خمر را در این دو آیه مکی، اَکْبَرُ الْکَبَائِرِ معرفی فرموده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۵/۲؛ حز عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۹/۱۵؛ مجلسی،

۱. «کسانی که از گناهان کبیره دوری می‌کنند».

۱۴۰۶: ۲۵۲/۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰/۴۵). در نتیجه، حرمت خمر در مکه با مفهوم اولویت ثابت بوده است و این روایات، مؤید آن آیات در حرمت خمر در مکه‌اند. اخبار در معنای نهی در این دو آیه، بلیغ‌تر از نهی صریح است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۵۹/۱).

ب) آیه ۳۳ اعراف

این آیه از محوری‌ترین آیات مکی در تحریم حمر قبل از هجرت است که می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي... الْأَثْمَ...﴾ (اعراف/۳۳). خمر در این آیه با عنوان اِثْم، به انضمام آیه ۲۱۹ بقره که خمر را اِثْم کبیر نامیده است، تحریم آن اعلام گردیده است. شاید اشکالی به نظر رسد که حرمت اِثْم در آیه ۳۳ اعراف، کلی است؛ اما خمر در آیه ۲۱۹ بقره در مدینه نمی‌تواند مصداق اِثْم در مکه باشد! پاسخ این است که از نظر منطقی بعید است که حرمت اِثْم در آیه ۳۳ اعراف قبل از هجرت در مکه نازل شده باشد، در حالی که خمر به عنوان مصداق اِثْم پس از مدت طولانی در مدینه بیان شده است و دور از ذهن است که در این چندین سال، احدی از صحابه پی‌جوی معنای آن نشده باشد! (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۴/۶).

علت جدی بودن طرح سؤال این است که همه محرمات قولی، فعلی و اعتقادی، به صورت چند کلیدواژه در این آیه بیان شده‌اند (همان: ۸/۸۶) که با حصر «اِثْمًا» به جمیع محرمات اشاره دارد (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۴/۲۳۳). در صورت عدم وضوح معنای اِثْم در کنار دیگر محرمات، برای مردمان زمان ظهور، طرح این سؤال جدی بود. از این رو، عقل تأخیر بیان از وقت حاجت را نمی‌پذیرد (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۸۵: ۶/۳۱۳). بنابراین علت اصلی پی‌جو نشدن از معنای اِثْم، روشنی معنای آن در خمر به دلیل کثرت شیوع استعمال با وضع ثانوی عرفی (تعینی) در بین اعراب بوده است؛ زیرا به کار بردن اِثْم به جای خمر در زمان اسلام و پیش از آن رواج داشته است. مؤید آن نیز می‌تواند شعر «شربت الإِثْم» از اخفش باشد (معرفت، ۱۴۱۸: ۱/۵۰۵-۵۰۶).

اساساً در اصول، وضع الفاظ برای معانی اصلی‌شان، هم ناشی از جعل با وضع تعینی و هم ناشی از کثرت استعمال با وضع تعینی است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۵: ۲۴).

۱. «بگو ای پیغمبر که خدای من... اِثْم را حرام کرده است».

استعمال خمر در اِثم در مکه، به وضع تعینی است؛ زیرا اِثم در لغت به وضع تعینی، به معنای بطاء و کندی آمده، و خمر در لغت به وضع تعینی، به معنای ستر و پوشش ذکر شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۶۲/۴). به همین دلیل، به شراب خمر می‌گویند؛ زیرا عقل را می‌پوشاند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱۰/۴). به دلیل ارتباط معنایی تنگاتنگ بین اِثم و خمر که چیزی به اندازه خمر، باعث کندی و ابطال عملکرد عقل و پوشش روی آن نمی‌شود و با کثرت استعمال در اعراب جاهلی، اِثم به وضع تعینی، خمر نامیده شده و از نظر لغوی و ادبی، این امر پذیرفته شده است. ابن فارس نیز در تفسیر اِثم به خمر در آیه ۳۳ اعراف، به شعر «شربت الاِثم...» از اخفش استناد می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۰/۱).

طبرسی نیز با بیان شعر فوق از اخفش و شعر «وَأَنْ نَشْرَبَ الْإِثْمَ...» در معنای اِثم به خمر در آیه ۳۳ اعراف، به قول حسن بصری و به معنای لغوی استناد نموده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۸/۲ و ۶۴۰/۴). سید مرتضی و شیخ طوسی نیز به استناد شعر «شربت الاِثم» از ابن انباری، قائل اند که اِثم در آیه ۳۳ اعراف به معنای خمر است (طوسی، ۱۴۱۷: ۳۹۰/۴؛ سیوری حلی، ۱۳۷۳: ۳۰۵/۲). ابن سیده و قرطبی نیز یکی از اسامی خمر را اِثم بیان نموده‌اند (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۰۱/۷؛ خازن، ۱۴۱۵: ۱۹۵/۲). امام کاظم ع اِثْمًا در روایتی موثق، مراد از اِثم محرم در آیه ۳۳ اعراف به انضمام آیه ۲۱۹ بقره را خمر بیان فرمود:

«وَأَمَّا الْإِثْمُ فَإِنَّهَا الْخَمْرُ بَعِينَهَا» (عباشی، ۱۳۸۰: ۱۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۰۱/۹).

تفاسیر عامه نیز با استفاده از آیه ۲۱۹ بقره که خمر را اِثم کبیر نامیده است، با بیان شعر فوق از اخفش، به حرمت آن در آیه ۳۳ اعراف تصریح نموده‌اند (مکی بن حمّوش، ۱۴۲۹: ۲۳۴۸/۴؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۲۳۲/۱۴).

حکایات تاریخی عصر ظهور، نظیر حکایت اعشی بن قیس (ابن هشام، ۱۴۰۷: ۲۸/۲) و ابوجهل (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۶۹/۱) و دلایل عقلی، لغوی و اشعار جاهلی و تصریح مفسران شیعه و سنی تأیید می‌کنند که خمر چه به وضع ثانوی و تعینی با استعمال عرفی در معنای اِثم و چه به عنوان مصداق تام و کامل اِثم بر اساس آیه ۲۱۹ بقره و آیات مکی

۳۲ نجم و ۳۷ شوری و روایت صحیح تفسیری که خمر را در این دو آیه، اُکبر الکبائر معرفی نموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰/۴۵) و نیز روایت صحیح مصداقیت کامل خمر برای اِثم (حزّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۵/۳۱۵) دلالت دارد؛ آیه ۳۳ اعراف با تصریح مفسران، صریح و نص بر حرمت خمر است (مکی بن حَمّوش، ۱۴۲۹: ۴/۲۳۴۸):

«فالکتاب نصّ فی تحریم الخمر فی الإسلام قبل الهجرة» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶/۱۳۵).

نص بودن آیات قرآن در حرمت خمر در مکه، چنان که علما و مفسران به آن تصریح نموده‌اند، مانند نص بودن آیات قرآن در اقل مدت حمل در شش ماه است. گرچه یک آیه نص بر این مطلب نیست، اما بر اساس تفسیر موضوعی، که آیات قرآن مفسر هم‌اند: «إِنَّ الْكِتَابَ يَصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: خ ۶۱/۱۸)، همان طور که با انضمام آیاتِ «وَمَحْمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف/ ۱۵) و «وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» (لقمان/ ۱۴)، شکی در نص بودن اقل مدت حمل در شش ماه بر اساس آیات باقی نمی‌ماند، همچنین شکی در نص بودن حرمت خمر در مکه بر اساس آیه ۳۳ اعراف به انضمام آیه ۲۱۹ بقره نیز وجود ندارد؛ زیرا آیه ۳۳ اعراف، صریح در حرمت اِثم است و آیه ۲۱۹ بقره نیز به روشنی خمر را اِثم کبیر بیان فرموده است.

ج) آیه ۱۵۷ اعراف

آیه ۹۰ مائده: «رَجَسُ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»^۱ تصریح به رجاست خمر دارد، و هر رجسی، به اتفاق اهل لغت و نظر مفسران خبیث است (جوهری، ۱۳۶۸: ۲/۸۷۸ و ۹۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۷۰)، بنابراین خمر با عنوان خبائث، به اتفاق اهل لغت و نص آیه ۱۵۷ اعراف حرام است (نووی جاوی، ۱۴۱۷: ۱/۴۰۱). اضافه بر اینکه خمر به دلیل اُمّ الخبائث بودن، به عنوان کامل‌ترین مصداق خبائث، بر اساس آیه مکی ۱۵۷ اعراف، حرمت آن در بین خبائث با مفهوم اولویت ثابت است؛ چنان که حضرت رسول ﷺ و امام صادق علیه السلام در تعلیل حرمت خمر، آن را اُمّ الخبائث معرفی نمودند:

«قَالَ حَرَمَهَا لِأَنَّهَا أُمُّ الْخَبَائِثِ وَرَأْسُ كُلِّ سَرٍّ» (حزّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۵/۳۱۷؛ رشید رضا، ۱۴۱۴: ۷/۶۳).

۱. «پلید و از عمل شیطان است».

طبق «نظریه تصحیح» روایت أمّ الخبائث بودن خمر، به علت استواری متن و ذکر آن در منابع معتبر و انتساب به معصوم علیه السلام و نیز به دلیل مطابقت با مبانی دینی به ویژه آیه ۱۵۷ اعراف و ۲۱۹ بقره و روایات صحیح که خمر را کامل‌ترین مصداق اثم و أكبر الكبائر معرفی نموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵/۱۰)، صحیح است.

با توجه به حرمت خمر در مکه بر اساس آیات قرآن و مؤیدات صحیح روایی، استناد دیدگاه تدریجی به آیه تحریم (مائده / ۹۰) به عنوان اولین آیه در حرمت مطلق خمر قابل نقد است؛ زیرا تکرار حکم در اصول به معنای تأکید است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۵: ۱۷۹)، بنابراین زمانی که تکرار امر تأکید باشد، تکرار نهی که مراد مولی در آن جز با ترک جمیع افرادش محقق نمی‌شود (همان: ۱۰۰، ۱۰۲ و ۱۸۳)، به طریق اولی دلالت بر تأکید دارد. بر این اساس، پس از اثبات حرمت مطلق خمر در مکه، حرمت دوباره در آیه ۹۰ مائده، به معنای تأکید و تشدید حرمت قبلی است.

آیه تحریم دلالت دارد که گروهی تا آن زمان خمر می‌نوشیدند و حرمت مجدد در مدینه فقط برای تأکید و اصرار بر ترک حرمت قبلی بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۵/۶: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۱۹/۲۳). شیعه و سنی، زمان اجرای حد شرابخواری را با نزول این آیه می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۷: ۲۱/۴). بنابراین در نظریه دفعی، تفکیک بیان حکم حرمت خمر در مکه و تأخیر اجرای حد در مدینه، نظیر تفکیک بیان حکم حرمت زنا در آیه مکی (اسراء/ ۳۲) و اجرای حد آن در آیه مدنی (نور/ ۲) است که این خود، نوعی رفق و مداراست. در حالی که اعلام همزمانی حرمت مطلق خمر با اجرای حد با نزول آیه تحریم در نظریه تدریجی، خلاف مدارای تربیتی مورد انتظار آنان است.

۲-۲. حرمت دفعی خمر بر اساس روایات

روایات تفسیری مستند این نظریه، دسته‌ای ناظر به حرمت خمر در مکه‌اند که اینجا بحث می‌شود و دسته دیگر را که قبلاً در سکر نوم بحث کردیم، تکرار نمی‌کنیم. در روایتی صحیح از امام صادق علیه السلام حرمت دائمی بوده است (حزّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۹۶/۲۵)؛ اما زمان اعلام حرمت خمر در اسلام، به اوایل بعثت برمی‌گردد که امام صادق علیه السلام در روایتی صحیح از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود اولین محرّمات، بت‌پرستی و

شرب خمر بوده است:

«سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْخَمْرِ فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ أَوَّلَ مَا نَهَانِي عَنْهُ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ عَنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ وَشُرْبِ الْخَمْرِ» (همان: ۳۰۴/۲۵؛ صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۲۶/۲).

امام رضا علیه السلام نیز در روایتی صحیح فرمود بعثت هر پیغمبری، همراه با تحریم خمر بوده است (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۳۲۱/۵).

در روایتی موثق، امام کاظم علیه السلام در جواب خلیفه مهدی عباسی فرمود منظور از اثم محرم در آیه ۳۳ اعراف، به استشهد آیه ۲۱۹ بقره، خمر است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۳۰۱/۹). بسیاری از مفسران و علمای شیعه با نقل این روایت، به حرمت خمر در آیه ۳۳ اعراف تصریح نموده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۸/۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۵/۶). حتی برخی تفاسیر عامه با رهنمود از این روش تفسیری امام کاظم علیه السلام، بر حرمت خمر با عنوان اثم در آیه ۳۳ اعراف تصریح دارند (مکی بن حمّوش، ۱۴۲۹: ۲۳۴۸/۴). روایت پیشین از امام کاظم علیه السلام، با روایات تفسیری صحیح زیر تقویت می‌شود.

در روایت صحیح تفسیری، عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام از امام رضا علیه السلام از امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر «کَبَائِرُ الْإِثْمِ» در آیات مکی ۳۲ نجم و ۳۷ شوری، شرب خمر را هم‌ردیف بت‌پرستی و اکبر الکبائر معرفی فرموده است:

«وشرب الخمر؛ لأنَّ الله عزَّ وجلَّ نهى عنها، كما نهى عن عبادة الأوثان» (کلینی، ۱۴۲۹: ۷۰۵/۳؛ حز عاملی، ۱۴۰۹: ۳۲۰/۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۲۵۲/۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۱-۴۵/۱۰).

در روایتی صحیح نیز رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم خمر را کامل‌ترین مصداق اثم بیان فرموده است:

«إِنَّ الْخَمْرَ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ» (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۵/۲۵).

این روایات، مؤید حرمت خمر در این آیات مکی است. تفسیر المنار نیز با نقل روایت تفسیری از رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم، خمر را اکبر الکبائر بیان نموده است: «قال الخمر أمّ الفواحش وأكبر الكبائر» (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۶۳/۷).

۱-۲-۲. بررسی روایات مستند نظریه حرمت تدریجی در شیعه

تنها مستند روایی قابل توجه، که نظریه حرمت تدریجی خمر در شیعه به آن استناد نموده است، ۳ روایت کافی از امامین صادقین علیهما السلام با مضمون نزدیک به هم است:

«قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام... وَلَمْ تَزَلِ الْخَمْرُ حَرَامًا... وَلَوْ حَمَلَ عَلَيْهِمْ جُمْلَةً لَهَلَكُوا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۵/۶)؛ امام باقر علیه السلام فرمود: شراب [در همه شرایع آسمانی] همیشه حرام بوده است... اگر یکباره تکالیف را به دوش آنان بگذارد، هلاک می شوند.

علامه دو روایت را بدون هیچ توضیحی فقط نقل نموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۶/۶). ولی آیه الله جوادی با این بیان که حرمت خمر در شرایع پیشین مانند اسلام تدریجی بوده است، با نقل هر سه روایت، از آن‌ها به عنوان مستند روایی نظریه تدریجی استفاده کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۹۶-۹۵/۱۱).

برداشت از این روایات به عنوان مستند روایی نظریه تدریجی، با دلایل پیش رو قابل نقد است:

۱- در این روایات، هیچ عبارتی بر تدریجی بودن خمر صراحت ندارد؛ بلکه فقط یک قاعده کلی را بیان کرده است که از رفق و مدارای الهی این است که تکالیف را گام به گام برای مردم بیان نموده است که اگر به یکباره همه احکام را بر آن‌ها تحمیل می‌کرد، هلاک می‌شدند. ظاهراً این قاعده کلی، در صدد بیان این مطلب است که تک تک احکام و تکالیف در یک شریعت، یکی پس از دیگری به تدریج اعلام می‌شد؛ چنان که نزول تدریجی آیات قرآن و احکام تکلیفی آن در طی بیش از ۲۰ سال، مؤید این مطلب است. یکی از مؤیدات بر صحت این برداشت، شرح حدیث فوق از امام باقر علیه السلام در ذیل کتاب کافی است که لفظ تدریجی بودن «تکالیف» به کار رفته است، نه تدریجی بودن یک تکلیف:

«یعنی إِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ إِنَّمَا يَحْمِلُ التَّكَالِيفَ عَلَى الْعِبَادِ شَيْئًا فَشَيْئًا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۵/۶).

بر این اساس، شرح آیه الله جوادی آملی در رابطه با احادیث فوق نیز مؤید دیگر بر صحت برداشت مقاله از این روایات است:

«اگر خداوند همه احکام واجب، مستحب، حرام و مکروه را یکباره بر مردم تحمیل می‌کرد، هلاک می‌شدند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۹۶/۱۱).

۲- اساساً چگونه ممکن است تدریجی بودن خمر، از این روایات استفاده شود، در حالی که در صدر هر سه روایت، تصریح به حرمت دائمی خمر در ادیان آسمانی شده است. آیا حرمت دائمی خمر در ادیان آسمانی از جمله اسلام و نیز تحریم آن همراه با بعثت هر پیغمبری بر اساس روایتی صحیح (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۸/۱؛ صدوق، ۱۳۹۸: ۳۳۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۲۱/۵)، با حلیت خمر و عدم حرمت آن تا نزول آیه سکاری، که تفاسیر عامه به آن تصریح دارند! قابل جمع است؟ (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۲/۲؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۸۵-۸۷/۱۰)؛ در حالی که حرمت خمر در اوایل بعثت رسول الله ﷺ اعلام شده است (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۶) و این روایات صحیح، مقید و مقدم بر آن روایات مطلق‌اند.

ظاهراً آن سه روایت مستند طرفداران نظریه تدریجی، در صدد تفکیک اعلام حرمت خمر در آغازین زمان هر شریعت با اجرای حد آن در زمان تکمیل آن همچون اسلام است. همین استنباط از روایات، برداشت مقاله «نقدی بر نظریه تحریم تدریجی خمر» (ایروانی نجفی و شاهپسند، ۱۳۹۰: ۲۶) نیز بوده است که این روش تربیتی، افزون بر ایجاد انگیزه قوی در ترک، نوعی رفق و مدارا با مسلمان نیز بوده است؛ در حالی که اعلام همزمانی حرمت مطلق خمر با اجرای حد، با نزول آیه تحریم در نظریه تدریجی، خلاف مدارای تربیتی مورد انتظار آنان است. شرب خمر برخی صحابه و اجتهاد آنان تا نزول آیه تحریم، مؤید این مدعاست.

۳- اگر ظاهر قسمتی از این روایات آن گونه باشد که طرفداران نظریه تدریجی از آن برداشت نمودند، آن قسمت حمل بر تقیه می‌شود و روایات تقیه‌ای فاقد حجیت‌اند (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۸-۶۹/۱)؛ زیرا هر سه شرط روایات تقیه‌ای در این قسمت وجود دارد (همان):

الف) مخالف آیات قرآن‌اند که حرمت مطلق خمر را در مکه اعلام نموده است.
 ب) مخالف بسیاری از روایات صحیحی هستند که موافق و مؤید نظر قرآن‌اند و به اعلام حرمت خمر در اوایل بعثت به عنوان اولین محرّمات الهی تصریح دارند:
 «أَوَّلُ مَا نَهَانِي عَنْهُ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ عَنْ... شُرْبِ الْخَمْرِ» (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۴/۲۵).

ج) موافق با نظر عامه‌اند؛ چنان که روایت مجمع‌البیان از امام کاظم علیه السلام در تفسیر

سکر در آیه سکاری به سکر خمر، به علت موافقت با عامه و مخالفت با قرآن، حمل بر تقیه می‌شد (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۴۱۲/۳).

آیا مخالفت صدر این روایات در تصریح به حرمت دائمی خمر در ادیان آسمانی از جمله اسلام، با ذیل آن که تدریجی بودن از آن برداشت شده، به معنای تقیه‌ای بودن ذیل آن نیست که موافق نظر عامه در عدم حرمت خمر تا نزول آیه سکاری است؟ (طبری، ۱۴۱۲: ۲۱۲/۲).

۲-۳. حرمت دفعی خمر بر اساس شواهد تاریخی

اشعار جاهلی و حکایات تاریخی عصر ظهور، بیانگر حرمت شرب خمر در مکه قبل از هجرت است. تحریم شراب همانند تحریم شرک، زنا و بت‌پرستی از ناحیه رسول خدا ﷺ نزد مشرکان مکه معروف بود. در شأن نزول آیه ۱۲ مکی از عنکبوت، حکایت شده است که ابوجهل و بزرگان قریش در مکه به مردمانی که برای اسلام آوردن نزد پیامبر اسلام ﷺ می‌آمدند، می‌گفتند او خمر و زنا را حرام کرده است، پس برگردید که ما بار گناه شما را به دوش می‌کشیم (ابن‌ابی‌شیبه، ۱۴۰۹: ۳۳۲/۷: سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۴۲/۵).

همچنین ابوجهل در مکه پیوسته به دنبال حضرت رسول ﷺ راه می‌افتاد و به مردم می‌گفت که او خمر و زنا را حرام کرده است (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۶۹/۱).

شاعر معروف، اعشی بن قیس بن ثعلبه به قصد تشرف به اسلام با سرودن قصیده‌ای در مدح رسول الله ﷺ به سوی مکه آمد و در نزدیکی آن، یکی از مشرکان به او گفت: محمد ﷺ زنا و شراب را تحریم کرده است! اعشی گفت: من با زنا سروکاری نداشته‌ام؛ ولی نسبت به شراب! پس سال دیگر بعد از سیراب شدن از آن برمی‌گردم. اعشی بازگشت؛ اما اجل مهلتش نداد (ابن هشام، ۱۴۰۷: ۲۵-۲۶/۲).

با توجه به اثبات حرمت دفعی خمر در این مقاله، نقد سهیلی بر ابن هشام، با این توجیه که اجماع بر حرمت خمر در مدینه است، وارد نیست (همان).

یکی از دلایل علامه و آیه‌الله جوادی آملی نیز بر حرمت خمر در مکه، همین حکایت تاریخی اعشی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۴/۶: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۳/۵۲۰).

وابستگی تجارت به خمر و نیز شیوع استعمال واژه‌های راح، راف و اِثم (به وضع تعینی) برای خمر در اشعار اعراب جاهلی، نمونه‌ای از نفوذ خمر در تاریخ جاهلی است (سید بن قطب، ۱۴۲۵: ۶۶۴/۲). بنابراین استعمال اِثم به جای خمر در زمان اسلام و پیش از آن، از نظر لغوی و ادبی امری پذیرفته شده است که مؤید آن نیز می‌تواند شعر «شربت الإِثم» از اخفش باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۰/۱) و این دلیل تاریخی و ادبی ثابت می‌کند که اِثم محرم در آیه ۳۳ اعراف، همان خمر است که در مکه حرام شده است.

۲-۴. حرمت دفعی خمر بر اساس دلایل عقلی

به چند دلیل عقلی بر حرمت شراب در مکه اشاره می‌کنیم:

الف) تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد واقعی

آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده، با برشماری برخی حکمت‌ها و علل تحریم خمر از قبیل رجس و پلیدی، بازدارندگی از نماز و یاد الهی، ایجاد کینه، دشمنی و عمل شیطان، دلالت دارند که شراب قبل از اعلام حرمت شرعی آن، از نظر عقلی دارای مفسده بوده است و با توجه به اینکه بین حکم عقل و شرع، ملازمه عقلی برقرار است (کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۰: ۷۹/۱؛ مظفر، ۱۳۶۸: ۲۱۷/۱)، با این آثار ذاتی خمر، عقل حکم به تحریم آن در مکه می‌نماید؛ زیرا به وجود آمدن این آثار با شرابخواری، مترتب بر نهی شرعی نیست. بنابراین نهی مولوی، ارشاد به حکم عقل و تأکید آن است (مظفر، ۱۳۶۸: ۲۱۸/۱). بر این اساس، شراب همیشه حرام بوده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۵/۶) و با وجود این آثار ذاتی شرابخواری در مکه، عقل حکم می‌کند که از نظر شرعی نیز حرام بوده است؛ زیرا احکام شرعی، تابع مصالح و مفاسد واقعی است (غروی نائینی، ۱۳۷۶: ۶۲/۳).

بنابراین کسانی همچون صفوان بن امیه، در جاهلیت نیز با رهنمود حکم عقل، شراب را بر خود تحریم کرده بودند (شهرستانی، ۱۴۰۰: ۲۴۲/۲) که عثمان بن مظعون (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۱۵/۲) و جعفر طیار نیز از آن جمله‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۱۴۴/۱). امام علی علیه السلام نیز قبل از اعلام حرمت رسمی آن در مکه، آن را بر خود حرام نمود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۳/۶).

ب) تفکیک ناپذیری نجاست خمر با عدم حرمت شرب آن

احکام تکلیفی، تابع مصالح و مفاسد واقعی و دارای حسن و قبح عقلی هستند و خمر نیز به علت مفسده واقعی، با تصریح آیات ۹۰ و ۹۱ مائده به رجاست آن، نجس است و بر اساس روایات صحیح نیز امام صادق و امام کاظم علیهما السلام حکم بر نجاست خمر می نمایند و حتی در تعلیل علت نجاست آن، بر اساس همان تعلیل عقلی آیه شریفه ۹۰ مائده، به رجاست آن اشاره نموده و می فرمایند چون خمر رجس است:

«فَكَتَبَ لِلْإِسْلَامِ لَا تُصَلِّ فِيهِ فَإِنَّهُ رَجَسٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۵/۳: حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۶۸/۳-۴۶۹).

بر این اساس، علما و فقهای شیعه و سنی با تصریح به حکم آیه ۹۰ مائده به رجاست خمر، اجماعاً حکم به نجاست خمر داده و شرب آن را حرام اعلام نموده اند (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۷/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۷۰/۳؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۹/۱۳).

علامه حلی نیز با بیان اجماع بر نجاست خمر، از سید مرتضی و شیخ طوسی نقل کرده است که هیچ اختلافی در نجاست خمر بین مسلمین وجود ندارد و در استدلالش، به آیه ۹۰ مائده و روایات پیش گفته استناد جسته است (علامه حلی، ۱۳۷۴: ۴۶۹/۱-۴۷۰).

بر این اساس، از نظر عقلی، تفکیک بین نجاست خمر و عدم حرمت شرب آن قبل از هجرت، در نظریه تدریجی معنا ندارد و خلاف نص صریح قرآن، روایات و اجماع مسلمین است.

ج) حرمت خمر در ادیان الهی و حکم عقل به استمرار آن

بر اساس روایات صحیح، خمر در ادیان آسمانی همواره حرام بوده (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۹۶/۲۵) و بعثت هر پیامبری، همراه با اعلام حرمت خمر انجام گرفته است (همان: ۳۲۱/۵). هیچ پیغمبری بدون تحریم خمر مبعوث نشد و هرگز نیز خمر نوشید (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۲۲/۲). کتاب آسمانی تورات، شرب خمر را حرام اعلام کرده است (همان: سمرقندی، ۱۴۱۶: ۴۱۶/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۱۷/۲). بر اساس روایات متواتر، شرابخوار همچون بت پرست است (ابن ماجه قزوینی، ۱۳۹۵: ۱۱۲۰/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۷/۳).

با توجه به همانندی بت پرستی و شرب خمر در علت تحریم و نهی از آنها در آیه ۹۰

مائده به جهت رجاست و علت تحریم مردار و خون و گوشت خوک در آیه مکی ۱۴۵ انعام ذیل‌الذکر به جهت رجس بودن آن‌ها و با توجه به حجیت قیاس منصوص‌العله (جمال‌الدین خوانساری، ۱۳۶۶: ۱۷۸/۳):

اولاً عقل حکم می‌کند که چون مردار، خون و گوشت خوک، با تصریح آیه مکی ۱۴۵ انعام، به جهت رجاست آن‌ها حرام شدند، پس خمر نیز به جهت اشتراک در علت حکم تحریم، در مکّه حرام شده است.

ثانیاً تحریم بت‌پرستی در مکّه قبل از هجرت بر اساس آیات قرآن (اسراء/ ۳۲-۳۱: کافرون) و روایات صحیح (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰۴/۲۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۲۶/۲) و شواهد تاریخی، امری بدیهی و انکارناپذیر است و از علت تحریم بت‌پرستی در آیه ۹۰ مائده به جهت رجاست آن، عقل حکم می‌کند که حرمت خمر نیز به جهت وحدت ملاک حکم، که در آیه ۹۰ مائده به آن تصریح شده است، در مکّه باید اعلام شده باشد؛ البته با توجه به حجیت قیاس منصوص‌العله مطلقاً (کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۰: ۱۰۰/۱-۱۰۱) نزد همه فقها (کراجکی، ۱۳۶۱: ۲۲۶/۲).

ثالثاً پیوستگی حرمت خمر در ادیان آسمانی از جمله اسلام، به حکم عقل دلیل بر عدم حلیت آن در اسلام است؛ اما چون اعلام حرمت آن در اسلام، بر اساس روایتی صحیح از رسول خدا ﷺ از اولین محرمات الهی در مکّه بود (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۱۶؛ بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۱۱۷/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۲۶/۲)، عقل حکم به اعلام حرمت آن در اسلام در اوایل بعثت می‌نماید؛ چنانچه روایت قبلی در حرمت خمر همراه با بعثت هر پیغمبری، تصریح به این مطلب دارد؛ زیرا در کثیری از سور مکی، تصریح به حرمت اموری از قبیل فحشاء، منکرات، بغی، اثم، خبائث (اعراف/ ۳۳-۱۵۷؛ نحل/ ۹۰)، بت‌پرستی (کافرون)، کم‌فروشی (هود/ ۸۴)، رُجُز (مدثر/ ۵)، فرزندکشی، زنا، شرک، مردار، خون و گوشت خوک می‌نماید که اعلام حرمت خمر قبل از این محرمات، عقلاً دلیل بر قرب زمانی حرمت آن با بعثت است. آیات زیر به حرمت برخی از موارد فوق تصریح می‌نماید:

- «فرزندان خویش را از ترس فقر نکشید و به زنا نزدیک مشوید» (اسراء/ ۳۲-۳۱)؛

- «بگو: ببینید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برایتان بخوانم؛

اینکه به خدا شرک می‌اورید» (انعام/ ۱۵۱)؛

- «بگو در میان آنچه بر من وحی شده است، چیزی را که خوردن آن حرام باشد، نمی‌یابم، جز مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک که پلید است» (انعام/۱۴۵).

و نیز به انضمام روایت صحیح تفسیری در معرفی خمر به اکبر الکبائر (مجلسی، ۱۴۰۴: ۴۵/۱۰). در آیات مکی ۳۲ نجم و ۳۷ شوری و حدیث صحیح از رسول خدا ﷺ که خمر را برترین مصداق اثم بیان نموده‌اند (حزّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۱۵/۲۵) حرمت خمر در مکه با مفهوم اولویت نیز ثابت می‌شود.

نتیجه‌گیری

۱- بعد از اثبات سکر نوم در آیه سکاری و نفی سکر خمر و عدم تعرض این آیه به حکم خمر، اساساً آیه سکاری، فقط در صدد بیان بطلان نماز با مطلق سکر است که بطلان نماز با مستی خواب، به طریق اولی مستی شراب را نیز شامل می‌شود.

۲- بعد از اثبات وجود تناقض در دیدگاه مستی شراب در آیه سکاری، که بنیان نظریه حرمت تدریجی نیز هست، عدم صحت این نظریه به دلیل نداشتن شرایط نظریه‌پردازی قرآنی، در دوگانگی محتوایی و مخالفت با قرآن، ثابت گردیده است.

۳- بر اساس رهنمود آیه ۲۱۹ بقره از خمر به اثم کبیر و روایات صحیح که خمر را اکبر الکبائر و کامل‌ترین مصداق اثم معرفی نموده‌اند، ثابت شد که خمر در آیات مکی از جمله ۳۳ اعراف، ۳۲ نجم و ۳۷ شوری، به طور کامل حرام گردید و با مؤیدات صحیح روایی، عقلی، لغوی، شعری، تاریخی و تفکیک‌ناپذیری نجاست خمر با عدم حرمت شرب آن در مکه، بر اساس تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد واقعی، حرمت خمر در مکه ثابت گردید.

۴- بر اساس نظریه حرمت دفعی خمر در مکه ثابت شد که شأن نزول‌های ساختگی مستند تحریم تدریجی در تفاسیر عامه، افزون بر ضعف سندی و اختلاف شدید در مضمون (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۱۱۶/۲)، در نسبت شرب خمر به امام علی علیه السلام (با وجود اعتراف به عصمت آن حضرت) با توجیه ناصواب عدم حرمت شراب تا نزول آیه سکاری، خروج موضوعی از این آیه دارد. اساساً این شأن نزول‌ها و بالتبع طرح اولیه نظریه حرمت تدریجی در تفاسیر عامه، تنها راه برای گریز از اعتراف به فسق برخی صحابه

معروف بوده است (ابن عابدین، ۱۴۲۳: ۳۳/۱۰) که تا نزول آیه تحریم شراب می نوشیدند، و این جمله معروف خلیفه دوم: «اتتهینا اتتهینا» (دست از شرابخوری برداشتیم) و پیوستگی شرب خمرش تا نزول آیه تحریم، در تفاسیر عامه مشهور است (زمخشری، ۱۴۱۲: ۱۰/۵؛ سید بن قطب، ۱۴۲۵: ۶۶۴/۲).

۵- حرمت مطلق خمر در سور مکی در همه حال بدون هیچ قید و شرطی، به طریق اولی از مستی شراب در حالت نماز نیز نهی می کند و آیه تحریم جز برای تأکید و تشدید تحریم قبلی نازل نشده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۲۵/۶). جمله ﴿فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ (مائده/ ۹۱) توییحی است که زمان اجرای حد شرب خمر برای آنهایی که توجهی به نهی قبلی الهی نداشتند، فرا رسیده است؛ چنان که شیعه و سنی، اجرای حد شرب خمر را بعد از نزول آیه تحریم می دانند. این روش تربیتی اسلام در تفکیک بین بیان دفعی حکم حرمت در مکه و تأخیر چندین ساله اجرای حد در مدینه، افزون بر ایجاد انگیزه قوی در ترک و اتمام حجت شرعی، نوعی رفق و مدارا با مسلمان نیز بوده است؛ در حالی که اعلام همزمانی حرمت مطلق خمر با اجرای حد، با نزول آیه تحریم در نظریه تدریجی، خلاف مدارای تربیتی مورد انتظار آنان است.

کتاب شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۳. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفایة الاصول، چاپ، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۴. ابشهی، شهاب‌الدین محمد بن احمد، المستطرف فی کل فنّ مستطرف، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۱ ق.
۵. ابن ابی‌الحدید معتزلی، عزالدین ابوحامد عبدالحمید بن هبة‌الله بن محمد بن محمد مدائنی، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیة‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن ابی‌شیه، ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابراهیم، المصنّف فی الاحادیث والآثار، تحقیق کمال یوسف، ریاض، مکتبة الرشد، ۱۴۰۹ ق.
۷. ابن حبان، ابوحاتم محمد بن حبان بن احمد تمیمی بستی، کتاب الثقات، تحقیق حسین ابراهیم زهران، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ ق.
۸. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابة فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۹. ابن حجر هیتمی، ابوالعباس احمد بن محمد بن علی، الصواعق المحرقة علی اهل الرفض والضلال و الزندقه، تحقیق عبدالرحمن، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۹۹۷ م.
۱۰. ابن طاووس حسنی، سید رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر، طرف من الانباء و المناقب فی شرف سید الانبیاء و عترته الاطائب و طرف من تصریحه بالوصیة بالخلافة لعلی بن ابی‌طالب، تحقیق قیس عطار، مشهد، تاسوعا، ۱۴۲۰ ق.
۱۱. ابن عابدین، محمد امین، ردّ المختار علی الدرّ المختار شرح تنویر الابصار، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، ریاض، دار عالم الکتب، ۱۴۲۳ ق.
۱۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۴. ابن ماجه قزوینی، ابو عبدالله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ ق.
۱۵. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، چاپ سوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری معافری، السیرة النبویه، بیروت، دار الجیل، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الاصول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. انصاری قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن ابی‌بکر، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناخرسرو، ۱۳۶۴ ش.
۱۹. ایروانی نجفی، مرتضی، و الهه شاه‌پسند، «نقدی بر نظریه تحریم تدریجی خمر»، دو فصلنامه آموزه‌های قرآنی، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۲۰. برزگر شانی، یعقوب، نظریه حرمت دفعی خمر از نگاه قرآن و روایات، به راهنمایی سید محمد نقیب، رساله دکتری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، شهریور ۱۴۰۱ ش.
۲۱. بلاغی نجفی، محمدجواد بن حسن، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی، ۱۴۲۰ ق.

۲۲. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بن علی، السنن الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۲۳. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهیم، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲۴. جزائری، سید نعمه الله بن عبدالله، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، قم، نور وحی، ۱۳۸۸ ش.
۲۵. جمال‌الدین خوانساری، محمد بن حسین، شرح محقق بارع جمال‌الدین محمد خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، مقدمه و تصحیح و تعلیق تحقیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۲۶. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء، ۱۳۸۹ ش.
۲۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، قم، امیری، ۱۳۶۸ ش.
۲۸. حاکم حسکانی نیشابوری، عبیدالله بن عبدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت علیهم السلام، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۲۹. حجتی، سیدمحمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۳۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۳۱. حسینی آلوسی بغدادی، شهاب‌الدین سیدمحمد بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳۲. خازن، علاء‌الدین علی بن محمد بن ابراهیم بغدادی، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، تحقیق عبدالسلام محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳۳. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
۳۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، قم، طلیعة النور، ۱۴۲۷ ق.
۳۵. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۳۷. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، چاپ دوم، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۹۱ ق.
۳۸. زمخشری، ابوالقاسم جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، تصحیح مصطفی حسین احمد، چاپ سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۳۹. همو، ربیع‌الابرار و نصوص الاخبار، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۲ ق.
۴۰. سمرقندی، ابولیت نصر بن محمد بن احمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، تحقیق و تعلیق محب‌الدین ابوسعید عمر بن غرامه عمروی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.
۴۱. سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
۴۲. سیوری حلّی (فاضل مقداد)، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۳ ش.
۴۳. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، رضی - بیدار - عزیز، ۱۳۸۷ ق.
۴۴. همو، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۴۵. شبّر، سید عبدالله بن محمد رضا، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، کویت، مکتبة الالفین، ۱۴۰۷ ق.
۴۶. شفیظی، محمد امین بن محمد مختار جکنی، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، تحقیق محمد عبدالعزیز خالدی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۷ ق.
۴۷. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم بن احمد، الملل والنحل، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۰ ق.
۴۸. شبیانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تحقیق حسین درگاهی، قم، الهادی، ۱۴۱۳ ق.
۴۹. شیخ زاده، محمد بن مصلح الدین مصطفی فوجوی حنفی، حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
۵۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، شرح اصول الکافی، تصحیح و تعلیق محمد خواجهوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۵۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، الامالی، چاپ ششم، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۵۲. همو، التوحید، تحقیق سیدهاشم حسینی تهرانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۵۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۵۴. طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۵۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۵۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، تصحیح سید احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۵۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ ق.
۵۸. علامه حلی، ابومنصور جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۵۹. علی میری، نساء، حلیت یا حرمت ابتدایی شرب خمر از دیدگاه مفسران شیعه و اهل سنت، به راهنمایی حمید کریمی، پایان نامه سطح ۳ حوزه علمیه خواهران، تهران، مدرسه قاسم بن الحسن رضی الله عنه، ۱۳۹۵ ش.
۶۰. عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود بن عیاش سلمی سمرقندی، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ق.
۶۱. غروی نائینی، محمد حسین، فوائد الاصول، تقریر محمد علی کاظمی خراسانی، تحقیق و تعلیق آغا ضیاء الدین عراقی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۶ ش.
۶۲. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، مکاشفه القلوب المقرب الی علام الغیوب، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۲۲ ق.
۶۳. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۶۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۶۵. قشیری نیشابوری، ابوالحسین مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق موسی شاهین لاشین و احمد عمر هاشم، بیروت، مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۷ ق.
۶۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، چاپ سوم، قم، دار الکتب، ۱۳۶۳ ش.

۶۷. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۶۸. کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا بن هادی، *مصادر الحکم الشرعی و القانون المدني*، تصحیح عباس بن علی کاشف الغطاء، بغداد، مطبعة الآداب، ۱۴۱۰ ق.
۶۹. کراچکی، ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان، *گنجینه معارف شیعه امامیه (ترجمه کنز الفوائد)*، ترجمه و تعلیق میرزا محمد باقر کمره‌ای، تهران، چاپخانه فردوسی، ۱۳۶۱ ش.
۷۰. کریمی، مصطفی، «فرایند نظریه‌پردازی قرآنی در حوزه تفسیر موضوعی»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال سیزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۲۵)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ ش.
۷۱. کشی، محمد بن عمر، *اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی*، تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی، تحقیق سید مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۳۶۳ ش.
۷۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۷۳. همو، *الکافی*، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۷۴. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، *شرح فروع الکافی*، تصحیح محمد جواد محمودی و محمد حسین درایتی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۷۵. ماوردی بصری، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب، *النکت و العیون (تفسیر الماوردی)*، تعلیق سید بن عبدالمقصود بن عبدالرحیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بی تا.
۷۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۷۷. مجلسی، محمد تقی، *روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم، کوشانپور، ۱۴۰۶ ق.
۷۸. مظفر، محمد رضا، *اصول الفقه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۷۹. معرفت، محمد هادی، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیش*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق.
۸۰. همو، *التمهید فی علوم القرآن*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۸۱. همو، *تاریخ قرآن*، تهران، سمت، ۱۳۷۵ ش.
۸۲. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۸۳. همو، *کتاب النکاح*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیهم السلام، ۱۴۲۴ ق.
۸۴. مکی بن حمّوش، ابو محمد مکی بن ابی طالب حمّوش قیسی، *الهدایة الی بلوغ النهایه*، امارات، جامعه الشارقه، ۱۴۲۹ ق.
۸۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۳۰ ق.
۸۶. نرم‌افزار کامپیوتری نور، جامع تفاسیر، جامع احادیث، جامع فقه، درایة النور و... .
۸۷. نووی جاوی، محمد بن عمر، *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*، تصحیح محمد امین ضناوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۸۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۸۵ ش.